

به فلسطینی‌ها نداشته‌اند. این یک افسانه است که در غرب رواج یافته تا بتوانیم از اسرائیل حمایت کامل کنیم. بنابراین، من فکر نمی‌کنم که یک راه حل عملی وجود داشته باشد که صرفاً از چشم ما پنهان مانده باشد.

بهترین چیزی که اسرائیلی‌ها تاکنون به آن رسیده‌اند، این بوده که فلسطینی‌ها را در نوار غزه که به یک زندان روباز عظیم تبدیل شده، محبوس کنند. آنها تصور می‌کردند که می‌توانند این وضعیت را مدیریت کنند، و تا قبل از ۷ اکتبر به نظر می‌رسید این راهبرد برایشان کارآمد بوده است. اما اکنون پرسش این است که از اینجا به بعد چه باید کرد؟ اسرائیلی‌ها از ۷ اکتبر به دنبال «پاک‌سازی» غزه بوده‌اند. هدفشان این بوده که تمام فلسطینی‌ها را از آنجا بیرون برانند. حالا پرسش این است که آیا این یک راه حل عملی یا اخلاقی است؟ من فکر نمی‌کنم که این راه حل عملی باشد، زیرا بعید می‌دانم فلسطینی‌ها حاضر به ترک غزه شوند. به عنوان یک آمریکایی، من قطعاً نمی‌خواهم با سیاستی همراه باشم که خواهان پاک‌سازی قومی غزه با زور اسلحه است. علاوه بر این، فکر نمی‌کنم که این کار شدنی باشد. اسرائیلی‌ها قادر به انجام آن بوده‌اند، ما هم قادر به انجام آن نخواهیم بود.

«اینکه اسرائیلی‌ها همیشه به دنبال «اسرائیل بزرگ» بوده‌اند، آیا این ادعایی بحث‌برانگیز و شاید ناعادلانه نیست؟ ممکن است برخی سیاستمداران در اسرائیل امروز خواهان «اسرائیل بزرگ» باشند و سال‌ها چنین هدفی داشته‌اند، اما اسرائیل به عنوان یک دولت همیشه طوری عمل نکرده که نشان دهد خواهان چنین چیزی است؟ این کشور به دنبال سازش با فلسطینی‌ها بوده، اما از سوی آنها رد شده است.

نه، من این را باور ندارم. فکر می‌کنم اینها افسانه‌هایی هستند که ما در غرب برای خودمان می‌سازیم تا بتوانیم همچنان از اسرائیل حمایت کنیم. به نظر من، صهیونیست‌های اولیه که به دنبال ایجاد یک دولت یهودی بودند (که در نهایت در ماه مه ۱۹۴۸ به وقوع پیوست)، کاملاً آگاه بودند که نمی‌توانند در همان ابتدا تمام سرزمین را تصرف کنند، زیرا تعداد فلسطینی‌ها در منطقه بسیار بیشتر از یهودیان بود. بنابراین، این کار باید به صورت تدریجی انجام می‌شد. اما این ایده که اسرائیلی‌ها واقعاً به دنبال راه‌حلی مبتنی بر دو دولت بوده‌اند و این فلسطینی‌ها بوده‌اند که پیشنهادهای «سخت‌مندان» اسرائیل را رد کرده‌اند، یک داستان ساختگی است. می‌دانم که وقتی در غرب این روایت و

چنین بحثی را مطرح می‌کنم، برخی تصور می‌کنند من یهودستیز هستم یا با اسرائیل دشمنی دارم. اما ادبیات گسترده‌ای که حتی توسط خود اسرائیلی‌ها نوشته شده، نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها هرگز علاقه‌ای به ایجاد یک کشور فلسطینی نداشته و همیشه خواهان کل سرزمین فلسطین بوده‌اند. آنها فقط می‌دانستند که باید این کار را به صورت تدریجی انجام دهند و نمی‌توانند یک‌باره تمام این سرزمین را تصرف کنند.

«بیا بید به جای ورود به بحث سیاست خاورمیانه، بر ترامپ تمرکز کنیم. بسیاری گمانه‌زنی می‌کنند که آنچه ترامپ تلاش می‌کند انجام دهد، تحت فشار قرار دادن کشورهای عربی همسایه فلسطین است تا خودشان راه حل‌های عملی ارائه دهند، شاید خودشان غزه را بازسازی کنند، هزینه‌های آن را بپردازند و شاید بخشی از فلسطینی‌های آواره را بپذیرند. به نظر می‌رسد که اردن در برابر ترامپ مقاومت می‌کند، در حالی که مصر پیشنهاد کرده طرحی برای بازسازی غزه ارائه دهد. بنابراین، شاید این سیاست پرخاشگرانه ترامپ مؤثر واقع و باعث شده این کشورها تحت فشار قرار گیرند و واکنش نشان دهند. من اصلاً چنین اعتقادی ندارم. در واقع، این سیاست باعث اتحاد کشورهای عربی شده است. در جهان عرب و جهان اسلام، اتفاقی نظر کاملی وجود دارد که این طرح از نظر اخلاقی غیرقابل قبول است، این سرزمین متعلق به فلسطینی‌هاست و ایالات متحده و اسرائیل هیچ حقی برای بیرون راندن آنها ندارند. به همین دلیل، هیچ کشوری حاضر نیست به اجرای این سیاست کمک کند.

در این مورد، اسرائیل و ایالات متحده منزوی شده‌اند. واقعیت این است که ایالات متحده قدرت فوق‌العاده‌ای دارد و نفوذ زیادی بر مصر و اردن اعمال می‌کند، زیرا در گذشته توافق‌هایی صورت گرفته که براساس آن، این دو کشور در ازای دریافت کمک‌های مالی هنگفت، باید با اسرائیل کنار بیایند. آمریکا این دو کشور را برای اسرائیل «خریده است»؛ این یک واقعیت مستند است، نه چیزی که



رسانه اسرائیلی‌ها آرتض گزارشی منتشر کرد که نشان می‌دهد سفر نتانیاهاو به آمریکا برای او یک شکست بود، زیرا آنچه او از واشنگتن می‌خواست، محقق نشد

من از خودم ساخته باشم. ترامپ این را کاملاً درک می‌کند و در حال حاضر به اردنی‌ها و مصری‌ها می‌گوید: «ما اهرم اقتصادی بزرگی علیه شما داریم و از این قدرت برای مجبور کردن شما به پذیرش فلسطینی‌ها استفاده خواهیم کرد.»

سوالی که باید از خود پرسیم این است که آیا اردنی‌ها و مصری‌ها در نهایت تسلیم خواهند شد؟ پادشاه اردن در توییتری پس از دیدار با ترامپ به وضوح اعلام کرد که این اتفاق نخواهد افتاد. همچنین، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهوری مصر، سفر خود به واشنگتن را لغو کرد تا هم از تحقیر شدن توسط ترامپ جلوگیری کند و هم نشان دهد که با این سیاست همراهی نخواهد کرد. بنابراین، وضعیت به این شکل است: فلسطینی‌ها قرار نیست غزه را ترک کنند، مصری‌ها حاضر نیستند آنها را بپذیرند، اردنی‌ها هم نمی‌خواهند آنها را بپذیرند. حالا باید از خودمان پرسیم: پس چه اتفاقی خواهد افتاد؟

«برخی استدلال می‌کنند که مصر گفته است می‌خواهد طرحی برای بازسازی غزه ارائه دهد و از این زاویه، شاید سیاست ترامپ باعث شده که ریاکاری برخی کشورهای عربی آشکار شود مبنی بر اینکه هزینه بازسازی غزه بسیار سنگین است، اما همسایگان حاضر به پرداخت این هزینه نیستند، در حالی که اسرائیل و آمریکا را محکوم می‌کنند. شاید ترامپ آنها را وادار کرده که مسئولیت پذیرتر باشند.

اما چرا کشورهای همسایه باید هزینه ویرانی‌هایی را بپردازند که اسرائیل و آمریکا در غزه ایجاد کرده‌اند؟

«چون اگر شما یک واقع‌گرا باشید، باید بپذیرید که این در منافع منطقه‌ای آنهاست. اصلاً این در منافع منطقه‌ای آنها نیست.

«چرا نیست؟»

ایالات متحده و اسرائیل بودند که غزه را ویران کردند. اسرائیلی‌ها در حال انجام یک نسل‌کشی بودند. منظورم این است که ترامپ آنجا با نتانیاهاو نشست و درباره این صحبت می‌کنند که غزه اکنون غیرقابل سکونت است و درباره تمام تخریب‌هایی که در غزه اتفاق افتاده صحبت می‌کنند و این واقعیت که فلسطینی‌ها نمی‌توانند آنجا زندگی کنند، چون به طور کامل ویران شده است. سؤال این است که چه کسی غزه را نابود کرد؟ پاسخ این است که اسرائیلی‌ها. بنیامین نتانیاهاو درست کنار ترامپ نشست بود و او این کار را با کمک بایدن و غرب و بویژه ایالات متحده انجام داد. این

